

بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت در ارزش‌های فرهنگی ازدواج مردان و زنان

هاشم جبرائیلی*

دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

جعفر حسینی

دکتری تخصصی نوروسایکولوژی، دانشیار دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت در ارزش‌های فرهنگی ازدواج به تفکیک جنسیت انجام شد. تعداد ۳۵۰ دانشجوی ۱۶۰ مرد و ۱۹۰ زن به شیوه نمونه‌گیری در دسترس از بین دانشجویان دانشگاه خوارزمی انتخاب و با استفاده از پرسشنامه ارزش‌های ازدواج (دلخمش، ۱۳۸۶)، پرسشنامه شخصیت نئو (مک‌کرا و کاستا، ۱۹۸۵) و پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (هزن و شیور، ۱۹۸۷) ارزیابی شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که زنان و مردان الگوهای نسبتاً متفاوتی از رابطه بین سبک‌های دلبستگی، عامل‌های شخصیت و ارزش‌های فرهنگی ازدواج را نشان می‌دهند و نقش سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت در پیش‌بینی ارزش‌های فرهنگی ازدواج بر اساس جنسیت متفاوت است. یافته‌ها تأثیر سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت را بر ارزش‌های فرهنگی ازدواج برجسته ساخت و در مجموع از تعامل بین ویژگی‌های درون فردی و تجربیات محیط اجتماعی در شکل دادن به رفتار انسان حکایت دارد.

واژگان کلیدی

ارزش‌های فرهنگی؛ ازدواج؛ سبک‌های دلبستگی؛ شخصیت

* نویسنده مسئول

تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۳/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۴

DOI: 10.22051/jwsp.2018.9917.1199

مقدمه

ارزش‌های فرهنگی ازدواج عبارت است از معانی و دریافت‌های ارزشی در قلمرو ازدواج که اعضای جامعه در آن‌ها اشتراک دارند. این ارزش‌ها که به‌منزله جلوه‌های ارزش‌های فرهنگی کلی در نظر گرفته می‌شوند، ازدواج را توجیه می‌کنند و مفروضه‌های عملی قلمرو زندگی زناشویی را فرا می‌خوانند (دلخمش، ۱۳۸۸). از آنجا که ترجیحات ارزشی فرهنگی مشترک هستند، متصدیان نقش در نهادهای اجتماعی (مثلاً، رهبران در دولت‌ها، والدین در خانواده‌ها) می‌توانند برای انتخاب رفتاری که به لحاظ اجتماعی مناسب است و برای توجیه کردن انتخاب‌های رفتاری خویش برای دیگران (مثلاً، رفتن به جنگ، تنبیه کردن فرزند)، بر اساس آن‌ها عمل کنند. تأکدهای ارزشی آشکار و ضمنی‌ای که خصیصه‌های فرهنگ را توصیف می‌کنند، از خلال قرارگرفتن روزانه در معرض رسوم، قوانین، هنجارها، متون مقدس و فعالیت‌هایی که از سوی ارزش‌های فرهنگی شکل داده می‌شوند و نیز ارزش‌های فرهنگی را بیان می‌کنند، به اعضای جامعه ابلاغ می‌شوند (بوردیو^۱، ۱۹۷۲؛ مارکوس و کیتایاما^۲، ۱۹۹۱؛ فیشر و بوئر^۳، ۲۰۱۶). با وجود این، افراد جامعه در برخورد با ارزش‌های فرهنگی به‌صورت منفعل عمل نکرده و بر اساس ویژگی‌های درونی خویش با این ارزش‌ها تعامل برقرار می‌کنند. به بیان دیگر، چنین نیست که تمام افرادی که در معرض ارزش‌های فرهنگی خاصی قرار دارند، لزوماً مشابه با دیگران دچار تغییر شوند و تفاوت‌های فردی قابل ملاحظه‌ای در این زمینه وجود دارد (استوارت^۴، ۲۰۱۲؛ بارکر^۵، ۲۰۱۵). ایرز و گاتی^۶ (۲۰۰۴) برای اشاره به ماهیت تعاملی بین ارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های درونی فرد از اصطلاح فرایندهای جامعه‌پذیری نزولی و صعودی استفاده می‌کنند؛ در فرایندهای جامعه‌پذیری نزولی^۷، افراد سیستم معانی مشترک جامعه‌ای را درونی می‌کنند که به آن تعلق دارند و ارزش‌های آن جامعه

-
1. Bourdieu
 2. Markus and Kitayama
 3. Fischer and Boer
 4. Stuart
 5. Barker
 6. Erez and Gati
 7. top-down processes of socialization

در خود فردی متبلور می‌شود. سپس، از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری صعودی ویژگی‌های روان‌شناختی افراد، ارزش‌های فرهنگی جامعه را شکل می‌دهد.

در حوزه ازدواج به‌نظر می‌رسد که سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت از جمله ویژگی‌های درونی و روان‌شناختی هستند که از توان شکل دادن به ارزش‌های فرهنگی برخوردارند. مفهوم شخصیت برای سال‌ها در بین محققان مورد چالش واقع شده و تعریف‌های متعددی از آن ارائه شده است (هافستد و مک‌کرا،^۱ ۲۰۰۴؛ مک‌کرا، چان، جوسیم، دی‌فرویت، لوشنهاف، و دیبول،^۲ ۲۰۱۳). اگر چه همه نظریه‌پردازان شخصیت با یک تعریف واحد از آن موافق نیستند؛ اما در یک نگاه کلی، شخصیت عبارت است از الگوهای نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشند. به‌طور اختصاصی‌تر، شخصیت، از صفات یا گرایش‌هایی تشکیل می‌شود که به تفاوت‌هایی فردی در رفتار، ثبات رفتار در طی زمان و تداوم رفتار در موقعیت‌های گوناگون می‌انجامد (شولتز و شولتز،^۳ ۲۰۱۳).

مک‌کرا و کاستا^۴ (۱۹۸۵) شخصیت را متشکل از پنج عامل اصلی نوروزگرایی^۵، برون‌گرایی^۶، گشودگی به تجربه‌پذیری^۷، پذیرا بودن^۸ و وظیفه‌شناسی^۹ عنوان کردند که هر یک از این عوامل محصول شش صفت هستند. پژوهش با استفاده از پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت در کشورهای انگلیسی زبان نشان داده است که تفاوت‌های فردی در عامل‌های نئو در بیشتر طول عمر نسبتاً ثابت باقی می‌ماند (مک‌کرا و کاستا، ۲۰۰۳). علاوه‌براین، مجموعه‌ای از مطالعات بین فرهنگی نشان داده است که ساختار عاملی مشابهی در گستره وسیعی از فرهنگ‌ها وجود دارد (مک‌کرا و کاستا، ۱۹۹۷؛ مک‌کرا و همکاران، ۲۰۱۳)، روندهای رشدی در میانگین سطوح صفات شخصیت بین نوجوانان و بعد از دوره بلوغ به نظر می‌رسد که جهانی باشد (مک‌کرا و

-
1. Hofstede and McCrae
 2. McCrae, Chan, Jussim, De Fruyt, Löckenhoff and De Bolle
 3. Schultz and Schultz
 4. Costa
 5. neuroticism
 6. extraversion
 7. openness
 8. agreeableness
 9. conscientiousness

همکاران، ۱۹۹۹) و تفاوت‌های جنسی مشابهی بین فرهنگ‌ها وجود دارد (کاستا، تراسیانو^۱ و مک‌کرا، ۲۰۰۱؛ بورکینو^۲، مک‌کرا و تراسیانو، ۲۰۱۳). مک‌کرا و کاستا (۲۰۰۳) در تفسیر این یافته‌ها مطرح کرده‌اند که صفات شخصیت به‌طور زیستی بر آمادگی‌هایی مبتنی هستند که اعضای گونه انسان را مشخص می‌کند و به‌طور کلی از فرهنگ فراتر می‌رود. از این دیدگاه، در مطالعه شخصیت و فرهنگ مسأله دیگر مستند ساختن نحوه شکل‌دهی فرهنگ به شخصیت نیست؛ بلکه، سؤال تا حدودی این می‌تواند باشد که نقش شخصیت در شکل دادن به فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی چیست.

بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد و نیز نقش برجسته ویژگی‌های شخصیت در تشکیل و حفظ روابط صمیمی (برای مثال، باکر و مک‌نولتی^۳، ۲۰۱۰؛ کلاستون، ارورک، اسمیت و دلونگیس^۴، ۲۰۱۱؛ مک‌کرا، ویلمسن و بومسما^۵، ۲۰۱۲؛ جبرائیلی، زاده‌محمدی، حیدری و حبیبی، ۱۳۹۳؛ ۱۳۹۳؛ یوسفی، ادهمیان و عبدالمحمدی، ۱۳۹۵) به نظر می‌رسد که این ویژگی‌ها از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهی به ارزش‌های فرهنگی در حیطه ازدواج باشند یا حداقل در این زمینه نقش معناداری را ایفا کنند، اما مطمئناً ویژگی‌های شخصیت تنها ویژگی‌های درونی تأثیرگذار در این زمینه نیستند و ویژگی‌های دیگر، از جمله سبک‌های دلبستگی، با توجه به تأثیری عمیقی که بر روابط صمیمی فرد دارد (گوزمن-گونزالز، لافونتاین و لوسکو^۶، ۲۰۱۶؛ هی و تسانگ^۷، ۲۰۱۴؛ مونتولیوا، کارسیا-مارتینز و گالو-سالکورو^۸، ۲۰۱۶؛ حسینی و علوی لنگرودی، ۱۳۹۶) و به‌عنوان مبنایی برای روابط و جامعه‌پذیری بعدی عمل می‌کند (گیوریس، جارای و برزکی^۹، ۲۰۱۰) می‌تواند نقش برابری را در شکل‌دهی به ارزش‌های فرهنگی ازدواج داشته باشد.

1. Terracciano
2. Borkenau
3. Baker and McNulty
4. Claxton, O'Rourke, Smith and DeLongis
5. Willemsen and Boomsma
6. Guzmán-González, Lafontaine and Levesque
7. He and Tsang
8. Monteoliva, Garcia-Martinez and Calvo-Salguero
9. Gyuris, Járαι and Bereczkei



نظریه دلبستگی برای اولین بار توسط بالبی^۱ (۱۹۸۲) مطرح شد. بالبی (۱۹۸۲) طبق نظریه کردار شناختی خود مطرح کرد که حالت‌های دلبستگی ناشی از رابطه کودک-والد برای رشد هیجانی و اجتماعی بعدی اهمیت زیادی دارد و پیوندهای دلبستگی اولیه به تشکیل الگوی کاری درونی^۲ یا یک رشته انتظارات درباره مظاهر دلبستگی منجر می‌شوند که به‌عنوان راهنمایی برای روابط صمیمی در طی زندگی عمل می‌کنند. آینزورث^۳ (۱۹۶۹) بر اساس نظریه بالبی سه سبک دلبستگی^۴ کلی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا را درباره کودکان مطرح کرد. بارتولومئو و هوروویتز^۵ (۱۹۹۱) سه سبک دلبستگی را با ترکیب الگوهای فعال درونی خود و دیگران به چهار طبقه گسترش دادند. در این طبقه‌بندی سبک دلبستگی بزرگ‌سالی از طریق تقسیم تصویر خود و دیگران به مثبت و منفی مفهوم‌بندی شده است. سبک ترسو با الگوی منفی از خود و دیگران و با ویژگی‌های اضطراب و اجتناب بالا؛ سبک انکارکننده با الگوی خود مثبت و دیگران منفی و با ویژگی‌های اضطراب پایین-اجتناب بالا؛ سبک مجذوب با الگوی خود منفی و دیگران مثبت و با ویژگی‌های اضطراب بالا-اجتناب پایین؛ و سبک ایمن با الگوی خود و دیگران مثبت و با ویژگی‌های اضطراب و اجتناب پایین توصیف می‌شود (چوی و لونگ^۶، ۲۰۱۶).

بعضی از پژوهشگران با توجه به اینکه این پژوهش‌ها بیشتر در آمریکای شمالی و عمدتاً با نمونه‌هایی از سفید پوستان طبقه متوسط انجام شده بود و در نتیجه با توجه به ریشه‌های عمیق این نظریه در فلسفه‌های فرهنگی غربی، درستی کاربرد آن را در جوامع غیر غربی زیر سؤال بردند (روتبوم، ویسزف، پات، میاک و مورلی^۷، ۲۰۰۰). با وجود این، پژوهش‌های انجام شده در فرهنگ‌های مختلف از الگوهای نسبتاً ثابت در دلبستگی افراد حکایت دارد (ایجنزندور و بارکرمانز-کراننبرورگ^۸، ۲۰۱۰؛ کلر^۱، ۲۰۱۳). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که همچنان که

-
1. Bowlby
 2. internal working model
 3. Ainsworth
 4. attachment style
 5. Bartholomew and Horowitz
 6. Chui and Leung
 7. Rothbaum, Weisz, Pott, Miyake and Morelli
 8. IJzendoorn and Bakermans-Kranenburg

بالبی (۱۹۸۲) مطرح کرده است ریشه‌های دل‌بستگی به تاریخ تکاملی نوع انسان باز می‌گردد و نه تنها تا حدودی از تأثیرات فرهنگی جداست، بلکه خود می‌تواند فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد و نتایج مطالعاتی که از نقش ویژگی‌های شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی در روابط صمیمانه حکایت دارد و نیز مطالعاتی که نشان‌دهنده تأثیر این ویژگی‌ها بر متغیرهای فرهنگی است و نیز با توجه به تفاوت بین زنان و مردان در ارزش‌های فرهنگی ازدواج (جبرائیلی، زاده‌محمدی و حیدری، ۱۳۹۲؛ دلخوش، ۱۳۸۸) و این حقیقت که تأثیر ویژگی‌های درون فردی بر ارزش‌های فرهنگی کمتر بررسی شده است (تنها مطالعه انجام شده مربوط به نوری و جان‌بزرگی (۱۳۹۰) است)، پژوهش حاضر با هدف روشن ساختن نقش ویژگی‌های شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی مردان و زنان در ارزش‌های فرهنگی آن‌ها و با این فرضیه انجام شد که ویژگی‌های شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی نقش معناداری را در پیش بینی ارزش‌های فرهنگی ازدواج ایفا می‌کنند و این نقش بر اساس جنسیت افراد متفاوت است.

روش

پژوهش حاضر به لحاظ شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها به طرح‌های همبستگی تعلق دارد. جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان دانشگاه خوارزمی بود که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۲ (۱۹۷۷) و بر اساس حجم جامعه حدود ۱۲۰۰۰ نفری و خطای ۵ درصد حدود ۳۷۲ نفر تعیین شد، اما در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده از ۳۵۰ نفر (۱۶۰ مرد، ۱۹۰ زن) قابل استفاده بود و همین تعداد در تحلیل نهایی به کار گرفته شد. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری در دسترس برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و پرسشنامه‌ها برای پر کردن تنها به کسانی داده می‌شد که مایل به شرکت در پژوهش بودند و هیچ اجباری برای پاسخ دادن به پرسشنامه‌ها وجود نداشت. داده‌ها با استفاده از روش‌های توصیفی و روش‌های استنباطی از جمله آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندگانه، تحلیل شد.

-
1. Keller
 2. Cochran



پرسشنامه ارزش‌های ازدواج^۱ (دلخמוש، ۱۳۸۶): مقیاس ارزش‌های ازدواج، ملهم از نظریه‌های ارزش‌های فرهنگی و مبتنی بر دو ریخت جامع ارزش‌های فرهنگی شوارتز و راس^۲ (۱۹۹۵)، یعنی محاط‌شدگی در برابر خودپیروی و سلسله‌مراتبی در برابر برابرنگری است. این مقیاس در قالب ۴۶ گزاره تنظیم شده است و ارزش‌های متناظر و اختصاصی قلمرو ازدواج و زندگی زناشویی و انتخاب همسر را اندازه‌گیری می‌کند. خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: محاط‌شدگی ۱۵ گزاره، خودپیروی عقلی ۸ گزاره، خودپیروی عاطفی ۵ گزاره، سلسله‌مراتبی ۶ گزاره، برابرنگری ۶ گزاره و در مجموع ۴۰ گزاره. از ۶ گزاره باقی‌مانده، یک گزاره مربوط به بازخورد کلی به ازدواج و ۵ گزاره مربوط به بازخورد به همسانی - ناهمسانی با همسر است. پایایی مقیاس به روش آزمون-بازآزمون، در یک نمونه دانشجویی زن و مرد (به تعداد ۸۷ نفر) در فاصله دو هفته، در دامنه‌ای از متوسط تا بالا قرار داشت (محاط‌شدگی ۰/۸۴، سلسله‌مراتبی ۰/۸۲، خود پیروی عقلی ۰/۸۱، خود پیروی عاطفی ۰/۷۴، برابرنگری ۰/۶۹). اعتباریابی نهایی در باب محتوا و ساختار روابط میان ارزش‌های ازدواج براساس فن‌تحلیل کوچک‌ترین فضا (SSA^۳)، انجام شده که از جمله فنون مقیاس‌سازی چندبعدی ناپارامتریک برای تحلیل ساختاری داده‌های واجد مشابهت است و ساختار فرضی روابط میان ارزش‌ها تأیید شده است (دلخמוש، ۱۳۸۶).

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگ‌سالان هزن و شیور^۴: این آزمون یک ابزار اندازه‌گیری خودگزارش‌دهی است که هزن و شیور^۵ (۱۹۸۷) آن را ساخته‌اند و بر پایه این فرض استوار است که مشابهت‌هایی از سبک‌های دلبستگی کودک-مراقب را می‌توان در روابط بزرگ‌سالان یافت. این ابزار شامل سه جمله توصیفی از احساسات فرد درباره راحتی، نزدیکی و صمیمیت در روابط است. هر توصیف یکی از سه سبک دلبستگی را نشان می‌دهد. از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود تا کاربردپذیری هر یک از توصیف‌های سه‌گانه را درباره خود روی یک مقیاس لیکرت (۷ درجه‌ای) نشان دهند. همچنین آزمودنی‌ها، باید یکی از

-
1. Marriage Values Questionnaire
 2. Schwartz and Ros
 3. Smallest Space Analysis (SSA)
 4. Hazan and Shaver's questionnaire of adult attachment styles
 5. Hazan and Shaver

توصیف‌ها را، انتخاب کنند که بهتر از همه احساس آن‌ها را در روابط نزدیک و صمیمی توصیف می‌کند. در مطالعه اصلی (هزن و شیور، ۱۹۸۷) پایایی بازآزمایی اندازه‌گیری مقوله‌ای حدود ۰/۷۰ بوده است و ضریب همبستگی پیرسون معادل ۰/۴۰ برآورد شده است. در مقیاس پیوسته که درجه‌بندی توصیف‌ها در آن اتفاق می‌افتد پایایی بازآزمایی برای درجه‌بندی متغیرهای سه‌گانه ۰/۶۰ برآورد شده است. در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) برای دستیابی به پایایی آزمون پرسشنامه روی ۱۰۰ دانش‌آموز اجرا شد، که به روش تصادفی انتخاب شده بودند. همبستگی بین آزمون و آزمون مجدد بعد یک ماه برای دلبستگی ایمن ۰/۳۶، برای دلبستگی اجتنابی ۰/۵۶ و درباره دلبستگی دوسوگرا ۰/۷۲ به دست آمد. برای دست آوردن اعتبار این پرسشنامه به روش واگرا، میزان همبستگی سه توصیف اصلی پرسشنامه بررسی شد. نتایج حاکی از همبستگی پایین سه توصیف بود، که نشان‌دهنده آن است که این سه توصیف سه محتوای متفاوت از نظر دلبستگی را می‌سنجند (پاکدامن، ۱۳۸۰).

پرسشنامه پنج عاملی نئو (فرم کوتاه): این پرسشنامه، فرم کوتاه نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت است. این پرسشنامه از ۶۰ گویه بر اساس مقیاس لیکرت (از ۱، کاملاً موافقم تا ۵، کاملاً مخالفم) تهیه شده است که هر ۱۲ گویه آن یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت (برون‌گرایی، پذیرا بودن، وظیفه‌شناسی، نوروگرایی و تجربه‌پذیری) را می‌سنجد (مک کرا و کاستا، ۱۹۸۵). مک کرا و کاستا (۲۰۰۴) در تحقیقی که برای تجدیدنظر در پرسشنامه انجام دادند آن را روی ۱۴۹۲ نفر اجرا کردند. ضرایب همبستگی این آزمون با فرم ۲۴۰ سؤالی برای پنج ویژگی به ترتیب عبارت بود از ۰/۸۳، ۰/۸۳، ۰/۹۱، ۰/۷۶ و ۰/۸۶. کیامهر (۱۳۸۱) در پژوهشی روی دانشجویان شهر تهران ضریب همبستگی حاصل از روایی هم‌زمان بین فرم کوتاه و بلند پرسشنامه را بین ۰/۴۱ و ۰/۷۵ گزارش کرد. وی برای بررسی پایایی فرم کوتاه پرسشنامه از روش بازآزمایی استفاده کرد که ضریب همبستگی بین دو اجرا برای عامل‌های پرسشنامه بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۶ به دست آمد. در این مطالعه همچنین ضریب حاصل از همسانی درونی این پرسشنامه با آلفای کرونباخ بین ۰/۵۴ و ۰/۷۹ به دست آمد.

1. NEO Personality Questionnaire



یافته‌های پژوهش

اطلاعات جمعیت‌شناختی بیان‌کننده آن است که حدود ۵۴/۳ درصد آزمودنی‌ها دختر و ۴۵/۷ درصد پسر، ۹۲/۹ درصد مجرد و ۷/۱ درصد متأهل هستند. میانگین سن آزمودنی‌ها ۲۲/۷۶ سال با انحراف معیار ۲/۷۷ است. همچنین، ۵۲/۵ درصد آزمودنی‌ها دارای سبک دلبستگی ایمن، ۳۰/۷ درصد دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و ۱۶/۸ درصد دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا هستند. در جدول ۱ و ۲، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت آورده شده است. با توجه به داده‌های این جداول، در هر دو جنس، وظیفه‌شناسی (با $M=۳۱/۹۶$ در مردان و $M=۳۲/۵۷$ در زنان) متداول‌ترین ویژگی شخصیت و نوروزگرایی (با $M=۲۰/۵۰$ در مردان و $M=۲۲/۸۲$ در زنان) معدودترین ویژگی شخصیت است. همچنین، برابرنگری (با $M=۵/۰۴$ در مردان و $M=۵/۴۳$ در زنان) مهم‌ترین ارزش فرهنگی ازدواج و محاط‌شدگی (با $M=۳/۸۶$ در مردان و $M=۳/۸۴$ در زنان) کم‌اهمیت‌ترین ارزش‌های فرهنگی ازدواج است.

برای بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت با ارزش‌های فرهنگی ازدواج در مردان و زنان از ضریب همبستگی پیرسون به تفکیک جنسیت استفاده شد. جدول ۱، ضرایب همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت با ارزش‌های فرهنگی ازدواج را در مردان نشان می‌دهد. نتایج این جدول حاکی از آن است که بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت با بیشتر ارزش‌های فرهنگی ازدواج، رابطه معنادار وجود دارد. دلبستگی ایمن بالاترین رابطه معنادار مثبت را با خود پیروی عقلانی ($r=۰/۱۹, P<۰/۰۵$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با سلسله مراتبی ($r=-۰/۲۰, P<۰/۰۵$) دارد. دلبستگی ناایمن اجتنابی بالاترین رابطه معنادار مثبت را با سلسله مراتبی ($r=۰/۲۸, P<۰/۰۱$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با برابرنگری ($r=-۰/۲۴, P<۰/۰۱$) دارد. دلبستگی ناایمن دوسوگرا بالاترین رابطه معنادار مثبت را با محاط‌شدگی ($r=۰/۲۳, P<۰/۰۱$) دارد. نوروزگرایی بالاترین رابطه معنادار مثبت را با سلسله مراتبی ($r=۰/۳۱, P<۰/۰۱$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با خود پیروی عقلانی ($r=-۰/۳۵, P<۰/۰۱$) دارد. برون‌گرایی بالاترین رابطه معنادار مثبت را با برابرنگری ($r=۰/۳۷, P<۰/۰۱$) دارد. گشودگی به تجربه بالاترین رابطه معنادار مثبت را با خود پیروی عاطفی ($r=۰/۳۴, P<۰/۰۱$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با محاط‌شدگی ($P<۰/۰۱$)،

۴۸/۰- r دارد. پذیرا بودن بالاترین رابطه معنادار مثبت را با برابرنگری ($r=0/33, P<0/01$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با سلسله مراتبی ($r=-0/35, P<0/01$) دارد. وظیفه‌شناسی بالاترین رابطه معنادار مثبت را با برابرنگری ($r=0/31, P<0/01$) دارد.

جدول ۱: ضرایب همبستگی سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های شخصیت با ارزش‌های فرهنگی ازدواج در مردان ($n=160$)

متغیر	<u>M</u>	<u>SD</u>	۱	۲	۳	۴	۵
۱. سلسله مراتبی	۳/۹۴	۰/۹۴					
۲. برابر نگری	۵/۰۴	۰/۶۴	۰/۰۷-۰/۱۸*				
۳. خود پیروی عاطفی	۴/۳۳	۰/۷۷	-۰/۰۳	۰/۲۹**			
۴. خود پیروی عقلانی	۴/۸۰	۰/۶۰	۰/۴۲**	۰/۵۴**	۰/۴۷**		
۵. محاط شدگی	۳/۸۶	۰/۷۳	۰/۲۸**	-۰/۲۰*	-۰/۰۷	-۰/۴۰**	
۶. دل‌بستگی ایمن	۳/۴۱	۱/۷۰	۰/۱۶*	۰/۱۰	۰/۱۶*	۰/۱۹*	۰/۱۳-۰/۱۹*
۷. دل‌بستگی نایمن اجتنابی	۲/۵۹	۱/۸۳	۰/۳۱**	-۰/۲۴**	-۰/۰۷	-۰/۱۷*	۰/۲۳**
۸. دل‌بستگی نایمن دوسوگرا	۲/۴۷	۱/۷۹	-۰/۱۲	-۰/۰۹	-۰/۰۶	-۰/۱۵	۰/۲۰*
۹. نوروژگرای	۲۰/۵۰	۵/۵۱	-۰/۲۱**	-۰/۳۰**	-۰/۰۵	۰/۳۲**	-۰/۱۲
۱۰. برون‌گرایی	۲۸/۵۸	۶/۷۰	-۰/۳۵**	۰/۳۷**	۰/۲۵**	۰/۲۴**	-۰/۴۸**
۱۱. گشودگی به تجربه	۲۷/۷۲	۵/۵۴	-۰/۱۱	۰/۲۰**	۰/۳۴**	۰/۲۳**	-۰/۱۹*
۱۲. پذیرا بودن	۲۹/۱۹	۴/۹۸		۰/۳۳**	۰/۲۳**	۰/۳۱**	۰/۰۰
۱۳. وظیفه‌شناسی	۳۱/۹۶	۷/۴۷		۰/۳۹**	۰/۱۳		

* $P<0/05$ ** $P<0/01$

جدول ۲، ضرایب همبستگی بین سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های شخصیت با ارزش‌های فرهنگی ازدواج را در زنان نشان می‌دهد. نتایج این جدول مبین آن است که بین سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های شخصیت با بیشتر ارزش‌های فرهنگی ازدواج رابطه معنادار وجود دارد. دل‌بستگی ایمن بالاترین رابطه معنادار مثبت را با خود پیروی عاطفی ($r=0/16, P<0/05$) دارد. دل‌بستگی نایمن اجتنابی بالاترین رابطه معنادار مثبت را با سلسله مراتبی ($r=0/21, P<0/01$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با برابر نگری ($r=-0/21, P<0/01$) دارد. دل‌بستگی نایمن دوسوگرا بالاترین رابطه معنادار مثبت را با محاط شدگی ($r=0/24, P<0/01$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با برابر نگری ($r=-0/21, P<0/01$) دارد. نوروژگرای بالاترین رابطه معنادار مثبت را با محاط شدگی ($r=0/29, P<0/01$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با خود پیروی عقلانی ($r=-0/28, P<0/01$) دارد. برون‌گرایی بالاترین رابطه معنادار مثبت را با برابر نگری



($r=0/37, P<0/01$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با سلسله مراتبی ($r=-0/17, P<0/05$) دارد. گشودگی به تجربه بالاترین رابطه معنادار مثبت را با خود پیروی عقلانی ($P<0/01$)، ($r=0/36$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با محاط شدگی ($r=-0/45, P<0/01$) دارد. پذیرا بودن بالاترین رابطه معنادار مثبت را با برابر نگری ($r=0/38, P<0/01$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با سلسله مراتبی ($r=-0/25, P<0/01$) دارد. وظیفه‌شناسی بالاترین رابطه معنادار مثبت را با برابرنگری ($r=0/38, P<0/01$) و بالاترین رابطه معنادار منفی را با سلسله مراتبی ($r=-0/23, P<0/01$) دارد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت با ارزش‌های فرهنگی ازدواج در زنان ($n=190$)

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
۱. سلسله مراتبی	۳/۹۱	۰/۸۶					
۲. برابر نگری	۵/۴۳	۰/۴۹	-۰/۱۹°				
۳. خودپیروی عاطفی	۴/۱۱	۰/۷۴	۰/۱۳	۰/۲۲**			
۴. خودپیروی عقلانی	۴/۹۷	۰/۶۱	-۰/۱۲	۰/۶۶**			
۵. محاط شدگی	۳/۸۴	۰/۸۱	۰/۳۱**	-۰/۰۵	۰/۴۲**		
۶. دلبستگی ایمن	۳/۲۴	۱/۸۶	-۰/۰۴	۰/۰۹	-۰/۰۷	-۰/۲۷**	-۰/۰۱
۷. دلبستگی نایمن اجتنابی	۲/۵۳	۲/۰۱	۰/۲۱**	-۰/۲۱**	-۰/۱۳	-۰/۱۹°	۰/۱۳
۸. دلبستگی نایمن دوسوگرا	۱/۸۸	۱/۷۱	۰/۱۴	-۰/۲۱**	-۰/۱۳	-۰/۲۱**	۰/۲۴**
۹. نوروگرایی	۲۲/۸۲	۵/۷۷	۰/۲۵**	-۰/۲۷**	۰/۲۵**	-۰/۲۸**	۰/۲۹**
۱۰. برون‌گرایی	۲۸/۶۱	۶/۴۸	-۰/۱۷°	۰/۳۷**	۰/۳۴**	۰/۳۰**	-۰/۱۲
۱۱. گشودگی به تجربه	۲۷/۹۹	۵/۴۹	-۰/۱۹°	۰/۲۲**	۰/۱۵°	۰/۳۶**	-۰/۴۵**
۱۲. پذیرا بودن	۲۸/۷۵	۴/۹۳	-۰/۲۵**	۰/۳۸**	۰/۰۷	۰/۳۲**	-۰/۱۱
۱۳. وظیفه‌شناسی	۳۲/۵۷	۶/۸۲	-۰/۲۳**	۰/۳۸**		۰/۳۶**	-۰/۰۱

* $P<0/05$ ** $P<0/01$

با توجه به معنادار بودن ضرایب همبستگی، به منظور بررسی نقش سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت در پیش‌بینی ارزش‌های فرهنگی ازدواج از تحلیل‌های رگرسیون چندگانه به روش پس‌رونده^۱ به تفکیک جنس استفاده شد. اما قبل از انجام تحلیل رگرسیون برقراری مفروضه‌های این آزمون بررسی شد. نتایج حاصل از بررسی مفروضه‌ها حاکی از آن بود که اندازه کجی و کشیدگی هیچ کدام از ابعاد ارزش‌های فرهنگی ازدواج به‌عنوان متغیرهای وابسته

1. Backward

تحلیل‌های رگرسیون و نیز سایر متغیرها انحراف شدیدی را از حالت نرمال بودن نشان نمی‌دهد که نشان‌دهنده توزیع نسبتاً نرمال این متغیرها و در نتیجه همگنی توزیع واریانس و خطی بودن روابط این متغیرها است. همچنین بالاترین همبستگی مشاهده شده بین متغیرهای مستقل ۰/۴۵ بود که همراه با نتایج بررسی VIF که برای هیچ متغیری بیش از ۱۰ نبود نشان دهنده فقدان وجود هم‌خطی و هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پژوهش حاضر است. جدول ۳ نتایج تحلیل‌های رگرسیون برای پیش‌بینی ارزش‌های فرهنگی ازدواج مردان از روی سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت را نشان می‌دهد. نتایج این جدول حاکی از آن است که سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت سهم معناداری در پیش‌بینی تمام ارزش‌های فرهنگی ازدواج مردان دارند و قادرند ۱۹ درصد از کل واریانس سلسله مراتبی، ۲۱ درصد از کل واریانس برابر نگری، ۲۱ درصد از کل واریانس خود پیروی عاطفی، ۱۸ درصد از کل واریانس خود پیروی عقلانی و ۲۵ درصد از کل واریانس محاط شدگی را تبیین کنند.

جدول ۳: خلاصه تحلیل‌های رگرسیون برای پیش‌بینی ارزش‌های فرهنگی ازدواج مردان بر اساس سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	β	t	R ²	F
محاط شدگی	گشودگی به تجربه	-۰/۴۵	-۶/۵۳**	۰/۲۵	۲۶/۶۶**
	دلبستگی نایمن دوسوگرا	۰/۱۶	۲/۳۴*		
برابرنگری	وظیفه‌شناسی	۰/۲۸	۳/۱۶*	۰/۲۱	۱۳/۸۰**
	برون‌گرایی	۰/۱۹	۲/۱۱*		
خودپیروی عقلانی	گشودگی به تجربه	۰/۱۶	۲/۲۷*	۰/۱۸	۱۱/۳۷**
	نوروزگرایی	-۰/۲۲	-۲/۶۷**		
	برون‌گرایی	۰/۲۰	۲/۴۰*		
سلسله مراتبی	گشودگی به تجربه	۰/۱۶	۲/۰۶*	۰/۱۹	۹/۱۴**
	پذیرا بودن	-۰/۲۸	-۳/۰۲**		
	نوروزگرایی	۰/۲۳	۲/۶۰**		
	وظیفه‌شناسی	۰/۲۲	۲/۴۰*		
خودپیروی عاطفی	دلبستگی نایمن اجتنابی	۰/۱۷	۲/۰۳*	۰/۲۱	۸/۲۵**
	گشودگی به تجربه	۰/۳۵	۴/۶۸**		
	برون‌گرایی	۰/۲۶	۲/۹۷**		
	نوروزگرایی	۰/۲۱	۲/۳۵*		
	پذیرا بودن	۰/۱۹	۲/۰۵**		

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

جدول ۴، نتایج تحلیل‌های رگرسیون برای پیش‌بینی ارزش‌های فرهنگی ازدواج زنان از روی سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت را نشان می‌دهد. نتایج این جدول حاکی از آن است که سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت سهم معناداری در پیش‌بینی تمام ارزش‌های فرهنگی ازدواج زنان دارند و قادرند ۹ درصد از کل واریانس سلسله مراتبی، ۲۰ درصد از کل واریانس برابر نگری، ۱۳ درصد از کل واریانس خود پیروی عاطفی، ۲۳ درصد از کل واریانس خود پیروی عقلانی و ۲۹ درصد از کل واریانس محاط شدگی را تبیین کنند.

جدول ۴. خلاصه تحلیل‌های رگرسیون برای پیش‌بینی ارزش‌های فرهنگی ازدواج زنان بر اساس سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	β	t	R ²	F
محاط‌شدگی	گشودگی به تجربه	-۰/۴۲	-۶/۴۴**	۰/۲۹	۱۸/۸۹**
	وظیفه‌شناسی	۰/۲۵	۳/۴۳**		
	نوروزگرایی	۰/۲۳	۲/۷۵**		
خود پیروی عقلانی	دلبستگی نایمن دوسوگرا	۱۶	۲/۳۲*	۰/۲۳	۱۷/۹۵**
	گشودگی به تجربه	۰/۲۹	۴/۲۹**		
	وظیفه‌شناسی	۰/۲۶	۳/۸۴**		
برابرنگری	وظیفه‌شناسی	۰/۲۰	۲/۴۹*	۰/۲۰	۱۵/۸۶**
	پذیرا بودن	۰/۱۹	۲/۲۹*		
خود پیروی عاطفی	گشودگی به تجربه	۰/۲۹	۴/۰۰**	۰/۱۳	۱۴/۴۱**
	برون‌گرایی	۰/۱۶	۲/۱۶*		
سلسله مراتبی	وظیفه‌شناسی	-۰/۱۷	-۲/۲۴*	۰/۰۹	۶/۴۶**
	دلبستگی اجتنابی	۰/۱۵	۲/۱۰*		

**P<۰/۰۵ *P<۰/۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت، متغیرهای درون فردی و روان‌شناختی با ارزش‌های فرهنگی ازدواج، به‌عنوان یک متغیر فرهنگی انجام شد. همچنان که انتظار می‌رفت بین انواع سبک‌های دلبستگی و عامل‌های مختلف شخصیت با بیشتر ابعاد ارزشی فرهنگی رابطه معنادار وجود داشت. اگرچه این یافته

تنها درباره حوزه خاصی از فرهنگ (ارزش‌های فرهنگی مربوط به ازدواج) بود، با وجود این، می‌تواند تأییدی باشد بر اندیشه‌های پژوهشگران و نظریه‌پردازانی که از توان ویژگی‌های درون فردی در تعامل با متغیرهای فرهنگی و شکل دادن به آن سخن به میان آورده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به کلمیر، دنیلسون و باتن^۱ (۲۰۰۵) اشاره کرد که بر اساس پژوهش خود به این نکته تأکید کرده‌اند که هر فرد برای اجتماعی شدن و رویارویی با افراد و موقعیت‌های گوناگون به ساختارهای روان‌شناختی و ویژگی‌های خاصی مجهز است که موقعیت‌های مختلف زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ و نیز ایرز و گاتی (۲۰۰۴) که برای اشاره به ماهیت تعاملی بین ارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های درونی فرد از اصطلاح فرایندهای جامعه‌پذیری صعودی و نزولی استفاده کرده‌اند؛ در فرایندهای جامعه‌پذیری نزولی، افراد سیستم معانی مشترک جامعه‌ای را، درونی می‌کنند که به آن تعلق دارند و ارزش‌های آن جامعه در فرد متبلور می‌شود. سپس، از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری صعودی ویژگی‌های روان‌شناختی افراد، ارزش‌های فرهنگی جامعه را شکل می‌دهد.

علاوه بر این یافته‌های کلی، تمرکز دقیق‌تر بر نتایج به دست آمده می‌تواند روشن‌کننده رابطه میان سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت با ارزش‌های فرهنگی ازدواج در مردان و زنان باشد. مقایسه جدول ۱ و ۲ نشان می‌دهد که هر دو جنس دلبستگی ایمن، رابطه معنادار مثبتی با خود پیروی عاطفی دارد. این یافته به این معناست که در همه افراد فارغ از جنسیت آن‌ها، داشتن سبک دلبستگی ایمن باعث می‌شود که فرد به دنبال بیان ویژگی‌های درونی خاص خویش در عرصه ازدواج از طریق پیگیری مستقل تجربه‌های مثبت باشد. در مقابل، افرادی با دلبستگی نایمن اجتنابی نه تنها به دنبال بیان ویژگی‌های درونی خاص خویش در عرصه ازدواج از طریق پیگیری مستقل تجربه‌های مثبت نیستند (فقدان وجود رابطه معنادار بین دلبستگی نایمن اجتنابی و خود پیروی عاطفی)، بلکه با توجه به رابطه معنادار منفی بین دلبستگی نایمن اجتنابی و خود پیروی عقلانی، کم‌تر در جستجوی بیان ویژگی‌های درونی خویش از طریق پیگیری رهنمودهای عقلی خاص خویش هستند. علاوه بر این، در هر دو جنس، افراد دلبسته نایمن اجتنابی به دنبال ارزنده‌سازی منابع قدرت هستند و به توزیع نابرابر قدرت و نقش‌ها در زندگی زناشویی، مبنی بر نقش نان‌آور مرد و نقش خانه‌دار زن، معتقدند و

1. Kimmelmeier, Danilson and Batten

از ارزش‌های مبتنی بر احساس تعهد نسبت به هم عملی داوطلبانه به همسر و پذیرش نقش‌های برابر در زندگی زناشویی اجتناب می‌کنند. افراد دارای دلبستگی ناایمن دوسوگرا هم تا حدودی در داشتن چنین ارزش‌هایی با افراد ناایمن اجتنابی دارای مشابهت هستند، اما این رابطه ضعیف‌تر است و احتمالاً به اشتراکاتی در کیفیت مراقبت دوران کودکی افراد ناایمن برمی‌گردد. از دیگر ویژگی‌های افراد ناایمن دوسوگرا احترام، ارزنده‌سازی و پذیرش آداب، قواعد و نقش‌هایی است که سنت یا مذهب برای ازدواج تکلیف می‌کند (رابطه مثبت میان دو سوگرایی و محاط‌شدگی). این ویژگی نیز یکی از تفاوت‌های مشاهده شده بین افراد ناایمن دوسوگرا و افراد ایمن است، اما این تفاوت تنها درباره مردان صادق است؛ یعنی تنها مردان دارای دلبستگی ایمن از ارزش‌های مبتنی بر محاط‌شدگی اجتناب می‌کنند. درباره زنان ایمن چنین یافته‌ای مشاهده نمی‌شود که دلیل آن، نگاه متفاوت فرهنگی به بچه‌های پسر و دختر و شیوه‌های تربیتی مبتنی بر مستقل بار آوردن پسران است.

درباره رابطه ویژگی‌های شخصیت و ارزش‌های فرهنگی می‌توان گفت بین زنان و مردان الگوی نسبتاً همسانی از این روابط وجود دارد. این الگوی بدین صورت است و ویژگی‌های شخصیت مثبت یا سالم یعنی نمره بالا در عامل‌های برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، پذیرا بودن و وظیفه‌شناسی رابطه مثبتی با ارزش‌های خود‌پیروی عاطفی، خود‌پیروی عقلانی و برابر نگری دارند، در حالی که این رابطه برای ارزش‌های محاط‌شدگی و سلسله‌مراتبی منفی است. درباره عامل نوروزگرایی این رابطه تقریباً معکوس است، یعنی این عامل با ارزش‌های خود‌پیروی عاطفی، خود‌پیروی عقلانی و برابر نگری، دارای رابطه منفی و با ارزش‌های محاط‌شدگی و سلسله‌مراتبی رابطه مثبت دارد. با وجود این توجه به قدرت رابطه‌ها روشن‌گر تفاوت‌های جنسیتی موجود خواهد بود. مثلاً، در مردان نوروزگرایی بالاترین رابطه معنادار مثبت را با سلسله‌مراتبی دارد، در حالی که بالاترین رابطه معنادار مثبت نوروزگرایی در زنان با محاط‌شدگی است. این یافته به این معناست که مردان نوروزگرا بیشتر به سمت ارزنده‌سازی قدرت و توزیع نابرابر وظایف و نقش‌ها تمایل پیدا می‌کنند، در حالی که زنان نوروزگرا بیشتر به سوی پذیرش آداب و سنن سنتی و مذهبی گرایش پیدا می‌کند. این یافته می‌تواند ناشی از سبک‌های مقابله متفاوت مردان و زنان در برخورد با رویدادهای استرس‌زا باشد؛ به این معنا که مردان در مواجهه با رویدادهای استرس‌زا بیشتر از سبک‌های مقابله مسأله‌مدار استفاده کرده و

درصد به کنترل درآوردن رویداد هستند، درحالی که زنان بیشتر از سبک‌های مقابله هیجان‌مدار استفاده کرده و در صدد دریافت حمایت عاطفی از دیگران برمی‌آیند (مدهیاستا، لاتا و کامات^۱، ۲۰۱۴). یکی دیگر از تفاوت‌های جنسیتی موجود، بالاترین رابطه معنادار مثبت گشودگی به تجربه با خود پیروی عاطفی در مردان و خود پیروی عقلانی در زنان است. گشودگی به تجربه ویژگی‌هایی مانند تخیل فعال، درک احساسات درونی، خلاق و مبتکر بودن، آزاداندیشی، تفکر واگرا و تمایل و خواست برای تغییر و داشتن انگیزه برای کسب تجارب جدید را در برمی‌گیرد (مک کرا و کاستا، ۲۰۰۴). بعد ارزشی خود پیروی نیز یکی از دو قطب پاسخ به مسأله تعریف ماهیت رابطه بین فرد و گروه است که در آن فرد به‌عنوان وجودی خود پیرو در نظر گرفته می‌شود که معنای خود را در منحصربه‌فرد بودن می‌یابد. این بعد از لحاظ مفهومی به دو نوع تقسیم می‌شود: خود پیروی عاطفی که بر آزادی افراد در دنبال کردن تجربیات مثبت عاطفی تأکید دارد و افراد واجد نمره بالا در این متغیر به دنبال کسب لذت، زندگی هیجان‌انگیز و تنوع در زندگی هستند؛ و خود پیروی عقلانی روی مطلوبیت استقلال فرد در دنبال کردن ایده‌ها و جهت‌های عقلانی خود تأکید دارد (شوارتز^۲، ۱۹۹۹). بنابراین آنچه گفته شد می‌توان مطرح کرد ویژگی‌های شخصیت ویژگی‌های اساسی انسان است که همچنان که کاستا و مک کرا (۲۰۰۳) مطرح می‌کنند دارای ریشه‌های زیستی است، اما نحوه پاسخ این ویژگی‌ها به محرک‌های محیطی توسط فرهنگ مشخص می‌شود. یعنی اگرچه افرادی با نمره بالا در گشودگی به تجربه به دنبال تجربیات لذت‌بخش هستند، اما این فرهنگ است که میزان تحقق این میل را تعیین می‌کند. فرهنگ به مردان گشوده به تجربه آزادی می‌دهد که باعث می‌شود، آن‌ها در بعد خود پیروی عاطفی نمره بالا کسب کنند، اما به دلیل فراهم نبودن همین آزادی درباره زنان گشوده به تجربه باعث می‌شود که این میل تنها در حد اندیشه و اعتقاد باقی مانده و این زنان در خود پیروی عقلانی نمرات بالاتری را کسب کنند.

نتایج تحلیل‌های رگرسیون نیز نشان داد که در هر دو جنس محاط‌شدگی بیشترین قابلیت تبیین و خود پیروی عقلانی در مردان و سلسله مراتبی در زنان کمترین قابلیت تبیین را دارد،

-
1. Madhyastha, Latha and Kamath
 2. Schwartz



اما یافته مهم‌تر در این زمینه میزان واریانس‌های تبیین شده ابعاد ارزشی مختلف است. نگاهی به نتایج تحلیل‌های رگرسیون مردان نشان می‌دهد که دامنه واریانس تبیین شده نزدیک به هم و از ۱۸ تا ۲۵ درصد است. درحالی‌که نتایج تحلیل‌های رگرسیون زنان حاکی از آن است که تفاوت عمده‌ای در میزان واریانس تبیین شده ابعاد ارزشی مختلف وجود دارد و دامنه‌ای این عدد از ۹ تا ۲۹ است. به نظر می‌رسد علت این یافته، تفاوت دو جنس در میزان آزادی در دنبال کردن خصوصیات درون فردی خود باشد. در حالی که مردان در دنبال کردن گرایش‌ها و خصوصیات خود آزاد گذاشته می‌شوند، اما این آزادی در زنان تنها در بعضی از زمینه‌های داده شده و در دیگر زمینه‌ها این فرهنگ است که نحوه رفتار آن‌ها را مشخص می‌کند. مثلاً، زنان در زمینه دنبال کردن حمایت اجتماعی و سنت و مذهب تا حدودی بر اساس ویژگی‌های روان‌شناختی خود عمل می‌کنند (۲۹ درصد از واریانس محاط شدگی به‌وسیله ویژگی‌های درون فردی تبیین می‌شود). درحالی‌که در زمینه پذیرش نقش‌های نابرابر مبنی بر نقش نان‌آور مرد و نقش خانه‌دار زن این فرهنگ است که نحوه عمل آن‌ها را مشخص می‌کند (تنها ۹ درصد از واریانس سلسله‌مراتبی از طریق ویژگی‌های درون فردی تبیین می‌شود).

نتایج تحلیل‌های رگرسیون همچنین نشان داد که ویژگی‌های گشودگی به تجربه و وظیفه‌شناسی متغیرهایی هستند که در پیش‌بینی بیشتر ابعاد ارزشی نقش معناداری ایفا می‌کنند و به‌طور کلی ویژگی‌های شخصیت نسبت به سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی ارزش‌های فرهنگی ازدواج نقش مهم‌تری را ایفا می‌کنند، اما به‌جای بحث درباره پایه‌های نظری بهتر است میزان اعتبار ابزارها نیز در نظر گرفته شود؛ پرسشنامه نئو و به‌طور کلی نظریه ۵ عامل بزرگ شخصیت به‌طور گسترده مورد حمایت پژوهشی قرار گرفته است، اما درباره سبک‌های دلبستگی و ابزار اندازه‌گیری آن هنوز چنین توافقی حاصل نشده است. در مجموع، می‌توان گفت که سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت، هر دو متغیرهای مهمی هستند که به‌عنوان متغیرهای درون فردی در تعامل با تجربه‌های محیط اجتماعی به بسیاری از رفتارها و اندیشه‌های انسان، از جمله ارزش‌های ازدواج او، شکل می‌دهند. با وجود این، پژوهش حاضر با محدودیت‌های همراه است که ممکن است قابلیت تعمیم یافته‌های آن را محدود سازد. با توجه به انجام این پژوهش روی دانشجویان و سیستم فکری خاص این افراد، برای افزایش قابلیت تعمیم یافته‌های این مطالعه تکرار آن روی جمعیت‌های غیر دانشجویی ضروری است.

منابع:

- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین دل‌بستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- جبرائیلی، هاشم، زاده‌محمدی، علی و حیدری، محمود (۱۳۹۲). نقش ارزش‌های فرهنگی ازدواج و تفاوت‌های جنسیتی در ملاک‌های انتخاب همسر. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۹(۳۶): ۳۸۹-۳۷۷.
- جبرائیلی، هاشم، زاده‌محمدی، علی، حیدری، محمود و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت‌های جنسیتی در مصالحه برای انتخاب همسر. فصلنامه پژوهش در علوم رفتاری، ۱۲(۴): ۵۰۹-۵۰۰.
- جبرائیلی، هاشم، زاده‌محمدی، علی، حیدری، محمود و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۳). نقش ویژگی‌های شخصیتی در ملاک‌های انتخاب همسر. مجله اصول بهداشت روان، ۱۶(۲): ۵۰۱-۴۹۲.
- دلخمش، محمد تقی (۱۳۸۶). ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۳(۱۲): ۲۹۹-۳۰۹.
- دلخمش، محمد تقی (۱۳۸۸). سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۵(۱۸): ۲۳۰-۲۰۷.
- کیامهر، جواد (۱۳۸۱). ارزشیابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج‌عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- نوری، نسیم، جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های ازدواج. مجله علوم رفتاری، ۵(۳): ۲۳۳-۲۲۵.
- Ainsworth, M. D. S. and Wittig, B. A. (1969). Attachment and the exploratory behavior of one year- olds in a strange situation. *Determinants of infant behavior*, 4: 113-136.
- Baker, L. and McNulty, J. K. (2010). Shyness and Marriage: Does Shyness Shape Even Established Relationships?. *Personality and Social Psychology Bulletin*,



36: 665–676.

- Barker, G. G. (2015). Choosing the best of both worlds: The acculturation process revisited. *International Journal of Intercultural Relations*, 45: 56-69.
- Bartholomew, K. and Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61: 226-224.
- Borkenau, P., McCrae, R. R. and Terracciano, A. (2013). Do men vary more than women in personality? A study in 51 cultures. *Journal of Research in Personality*, 47 (2): 135-144.
- Bourdieu, P. (1972). *Outline of a Theory of Practice*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bowlby, J. (1982). *Attachment and loss: Attachment (Vol. 1)*. New York: Basic Books.
- Chui, W. Y. and Leung, M. T. (2016). Adult attachment internal working model of self and other in Chinese culture: Measured by the Attachment Style Questionnaire- Short Form (ASQ-SF) by confirmatory factor analysis (CFA) and item response theory (IRT). *Personality and Individual Differences*, 96, 55-64.
- Claxton, A., O'Rourke, N., Smith, J. Z. and DeLongis, A. (2011). Personality traits and marital satisfaction within enduring relationships: An intra-couple discrepancy approach. *Journal of Social and Personal Relationships*, 29, 375–396.
- Costa, P. T., Terracciano, A. and McCrae, R. R. (2001). Gender differences in personality traits across cultures: Robust and surprising findings. *Journal of Personality and Social Psychology*, 81, 322-331.
- Delkhamoush, M. T. (2007). Iranian Youth Marital Values. *Journal of Iranian Psychologists*, 3(12), 299-309(Text In Persian).
- Delkhamoush, M. T. (2009). Hierarchy of Marriage Values among the Iranian Youth. *Journal of Family Research*, 5(2), 207-230(Text In Persian).
- Erez, M. and Gati, E. (2004). A dynamic, multi-level model of culture: From the micro level of the individual to the macro level of a global culture. *Applied Psychology: An International Review*, 53: 583-598.
- Fischer, R. and Boer, D. (2016). Values: the dynamic nexus between biology, ecology and culture. *Current Opinion in Psychology*, 8: 155-160.
- Guzmn-Gonzlez, M., Lafontaine, M. F. and Levesque, C. (2016). Romantic Attachment and Physical Intimate Partner Violence Perpetration in a Chilean Sample: The Mediating Role of Emotion Regulation Difficulties. *Violence Vict*, 31(5): 854-868.
- Gyuris, P., Járai, R. and Bereczkei, T. (2010). The effect of childhood experiences on mate choice in personality traits: Homogamy and sexual imprinting. *Personality and Individual Differences*, 49: 467–472.
- Hazan, C. and Shaver, P. R. (1987). Attachment as an organizational framework for research on close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5:

1-22.

- He, S. and Tsang, S. (2014). Male partners' attachment styles as predictors of women's coerced first sexual intercourse in Chinese college students' dating relationships. *Violence Vict*, 29(5): 771-783.
- Hofstede, G. and McCrae, R. R. (2004). Personality and Culture Revisited: Linking Traits and Dimensions of Culture. *Cross-Cultural Research*, 38: 52-88.
- Hoseini, F. and Alavi Langroodi, S. K. (2017). The role of attachment styles and marital satisfaction on sexual satisfaction through the mediation of love among married. *Women's Sociological and Psychological Studies*, 15(3): 8-9(Text In Persian).
- IJzendoorn, M. H. and Bakermans-Kranenburg, M. J. (2010). Invariance of adult attachment across gender, age, culture, and socioeconomic status?. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27, 200-208.
- Jebraeili, H., Zademohammadi, A. and Heydari, M. (2013). The Role of Cultural Values of Marriage and Sex Differences in Mate-Selection. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 9(36): 377-388(Text In Persian).
- Jebraeili, H., Zademohammadi, A., Heydari, M. and Hababi, M. (2014). The relationship between personality traits and gender differences in compromise for selecting spouse. *Journal of Behavioral Science Research*, 14(4), 500-509(Text In Persian).
- Jebraeili, H., Zademohammadi, A., Heydari, M., and Hababi, M. (2014). The role of personality characteristics the Criteria of spouse-selection. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 16(2), 233-243(Text In Persian).
- Keller, H. (2013). Attachment and Culture. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 44, 175-194.
- Kemmelmeier, M., Danilson, C. and Batten, J. (2005). What's in a grade? Academic success and political orientation. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31: 1386-99.
- Kianmehr, J. (2001). *The Standardization of the short form of five-factor NEO-FFI questionnaire and studying the factor structure of it among the students of Tehran University*. (MA. Thesis), Tehran University, Tehran(Text In Persian).
- Madhyastha, S., Latha, K. S. and Kamath, A. (2014). Stress, Coping and Gender Differences in Third Year Medical Students. *Journal of Health Management*, 16: 315-326.
- Markus, H. and Kitayama, S. (1991). Culture and self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Bulletin*, 102: 72-90.
- McCrae, R. R. Willemsen, G. and Boomsma, D. I. (2012). Are parental personality traits a basis for mate selection?. *Journal of Research in Personality*, 46 (4): 455-457.
- McCrae, R. R., Chan, W., Jussim, L., De Fruyt, F., Löckenhoff, C. E. and De Bolle, M. (2013). The inaccuracy of national character stereotypes. *Journal of Research in Personality*, 47(6): 831-842.



- McCrae, R. R. and Costa, P. T. (1985). Comparison of EPI and psychoticism scales with measures of the Five factor model of personality. *Journal of Individual Differences*, 6: 587-97.
- McCrae, R. R. and Costa, P. T. (1997). *Conceptions and correlates of openness to experience*. San Diego: Hogan R, Johnson J and Briggs S Editors.
- McCrae, R. R. and Costa, P. T. (2003). *Personality in adulthood: A Five Factor Theory perspective* (2nd. ed.). New York: Guilford.
- McCrae, R. R. and Costa, P. T. (2004). A contemplated revision NEO five factor inventory. *Journal of Individual differences*, 36: 578-96.
- McCrae, R. R., Costa, P. T., Lima, M. P., Simões, A., Ostendorf, F., Angleitner, A., et al. (1999). Age differences in personality across the adult life span: Parallels in five cultures. *Developmental Psychology*, 35: 466-477.
- Monteoliva, A., Garcia-Martinez, J. M. and Calvo-Salguero, A. (2016). Perceived Benefits and Costs of Romantic Relationships for Young People: Differences by Adult Attachment Style. *J Psychol*, 150(8): 931-948.
- N., N. and M., J. (2011). The relationship between attachment styles, personal love attitudes, and marital values. *Journal of Behavioral Sciences*, 5(3): 225-233(Text In Persian).
- Pakdaman, S. (2001). *A Study of the Relationship between Attachment and Communication in Adolescence*. (PhD Dissertation), Tehran University, Tehran (Text In Persian).
- Rothbaum, F., Weisz, J., Pott, M., Miyake, K. and Morelli, G. (2000). Attachment and culture: Security in the United States and Japan. *American Psychologist*, 55, 1093-1104.
- Schultz, D. P. and Schultz S. E. (2013). *Personality theories* 10th ed. Belmont: wadsworth cengage learning.
- Schwartz, S. H. (1999). A theory of cultural values and some implications for work. *Journal of applied psychology: an international review*, 48: 23-47.
- Schwartz, S. H. and Ros, M. (1995). Values in the west: A theoretical and empirical challenge to the individualism-collectivism cultural dimension. *World Psychology*, 1, 99-122.
- Stuart, J. E. (2012). Pathways to Positive Development Verkuyten. M. (2007a). Religious Group Identification and Inter-religious Relations: A Study among Turkish-Dutch Muslims. *Group Processes and Intergroup Relations*, 10, 341-357.
- Yousefi, R., Adhamian, E. and Abdolmohammadi, K. (2016). The Role of Early Maladaptive Schemas, Personality Traits and Attachment Styles in Prediction of Female Students Love Trauma Syndrome. *Women's Sociological and Psychological Studies*, 14(3): 171-190(Text In Persian).

نویسندگان

h.jebraeili@yahoo.com

هاشم جبرائیلی

دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده درمانی از دانشگاه شهید بهشتی و دانش
آموخته دکتری تخصصی روانشناسی سلامت از دانشگاه خوارزمی

hasanimehr57@yahoo.com

جعفر حسینی

دانشیار دانشگاه خوارزمی و مدیر گروه روانشناسی بالینی این دانشگاه

Investigating the predictive role of attachment styles and personality traits in marriage-related cultural values in men and women

Hashem Jebraeili¹
Jafar Hasani²

Abstract

The aim of this study is to investigate the role of attachment styles and personality traits in determining the marriage-related cultural values in individuals with regards to their gender. For this purpose, 350 students (160 male and 190 female) were selected through availability sampling from the students of Kharazmi University and were assessed using Marriage Values Questionnaire (Delkhamoush, 2008), NEO Personality Questionnaire (McCrae & Costa, 1985), and Adult Attachment Styles Questionnaire (Hazan & Shaver, 1987). The data of the research was analyzed using the statistical methods of Pearson correlation and multiple regression analysis. The results indicated that men and women show different patterns of correlation between attachment styles, personality factors, and cultural values of marriage. Therefore, the role of attachment styles and personality traits in predicting of marriage-related cultural values differ based on gender. The findings highlighted the effect of attachment styles and personality traits on marriage-related cultural values. overall, the study suggests that the interaction between the interpersonal characteristics and social experiences shape human behavior.

Key words

Cultural values, marriage, attachment styles, personality.

1. PhD of Health Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. PhD of Neuropsychology, Associate professor, Kharazmi University, Tehran, Iran

Submit Date: 2016-05-22

Accept Date: 2017-09-26

DOI:10.22051/jwsps.2018.9917.1199